

درباره کاتبان مصحف شریف

مصطفی اوغور در مان

بی تردید، شکل‌گیری خوشنویسی به عنوان یک سنت هنری مستقل، حاصل تلاش برای نگارش کتاب بزرگ و مقدس اسلام با کامل‌ترین و بدیع‌ترین ویژگی‌های آن بود. خط کوفی که از صدر اسلام در دمشق و کوفه رایج شد و پیشرفت کرد، به عنوان نخستین نوع خط برای کتابت مصحف در جهان عرب تبدیل شد. هنگامی که اسلام به شرق گسترش یافت، با تغییراتی به کوفی مشرقی و در غرب به کوفی مغربی تغییر یافت که نمونه‌های آن تاروزگار ما رسیده است. علیرغم ماهیت خشن خط کوفی، کاراکترهای مستدیر آن بر خطوط ثلث، نسخ، محقق و ریحانی که از خط عربی نشأت گرفته‌اند، تأثیر نهاد و این خطوط زیبایی فوق‌العاده‌ای به قرآن بخشیدند. تلاش‌های دولت‌های مختلف اسلامی که در ایران به قدرت رسیدند، دولت ممالیک در مصر، خاندان سلجوقیان و عثمانیان در آناتولی، در زمینه کتابت کلام الله جلب توجه می‌کنند. این خطوط به تنهایی یا به تناوب، در دو یا سه نوع به اتفاق هم در کتابت قرآن به کار رفته‌اند.

با گذشت زمان، مقیاس انواع خطوط که در بالا ذکر شد، توسط یاقوت المستعصمی (در گذشته ۶۹۸ ق.) در عصر عباسی با استفاده از نقطه مشخص گردید. پس از فتح استانبول توسط عثمانی‌ها در سال ۱۴۵۳ م. شیخ حمدالله آماسی (۱۴۲۹-۱۵۲۰ م.) که در آناتولی ظهور کرد، زیبایی‌های موجود در خطوط یاقوت را برگزید و شیوه جدیدی را ایجاد کرد و دو خط نسخ را به کتابت قرآن اختصاص داد. قرآن بعداً، حافظ عثمان (۱۶۴۲-۱۶۹۸ م.) این انتخاب را از طریق نوشته‌های شیخ تکرار نمود و فهمی از خط نسخ را آشکار کرد که امروزه نیز در کتابت قرآن پذیرفته شده است. به همین سبب، خط نسخ به عنوان "خادم کتاب الله" در عثمانی معرفی شد.

بررسی تطبیقی تشابهات و تفاوتها در کتابت های میرزا احمد نیریزی و زین العابدین اصفهانی
(نمونه موردی کتابت جزء سی ام قرآن معروف به آریامهری و مصحف زرین)

علیرضا بخشی

میرزا احمد نیریزی از خوشنویسان اواخر دوره صفوی (۱۰۶۰ ه.ق) است که در تاریخ خوشنویسی خط نسخ جایگاه ویژه ای دارد. تعداد قرآن های کتابت شده توسط وی در طول حدود هفتاد سال کتابت، به همراه رساله ها، زیارت نامه ها، ادعیه و قطعات و مرقعات آنقدر وسیع است که کمتر خوشنویسی تاکنون توفیق این همه مشق یافته است. زین العابدین اصفهانی ملقب به اشرف الکتاب (۱۱۸۷ ه.ق) هم دوره با حکومت قاجار و از خوشنویسان مبرز و پرکاری بوده است که با وجود عمر طولانی تا سنین بالانیز به کتابت و مشق اشتغال داشته است. مزیت های زیباشناسانه در آثار کتابت شده این دو خوشنویس در یک دوره تاریخی طولانی مدت، باعث شد تعداد قابل توجهی از خوشنویسان خط نسخ، از ادامه دهندگان و پیروان آنها باشند و برای سالیان متمادی تا دوره معاصر ویژگی های سبکی هر یک مطبوع سلیقه خوشنویسان قرار گیرد. هدف از این پژوهش بررسی تطبیقی تشابهات و تفاوت هایی همچون زاویه قلم گذاری و رانش قلم، اتصالات تناسبات در اندام و حروف کلمات، قوت و ضعف، چینش کلمات در سطر، فضا سازی صفحه و خوانایی است تا از این طریق بتوان به پرسش این پژوهش مبنی بر وجود و چگونگی شناخت شیوه انحصاری خوشنویسی در آثار میرزا احمد نیریزی و زین العابدین اصفهانی پاسخ داده شود. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و گردآوری اطلاعات کتابخانه ای با رویکرد تطبیقی انجام پذیرفته و نشان می دهد وجود افتراق و تشابهات در شاخصه های زیباشناسی این کتابت ها بر اساس شرایطی، شیوه ای خاص و منحصر به فرد برای این دو خوشنویس رقم زده است.

کلیدواژه ها: خوشنویسی، نسخ، احمد نیریزی، زین العابدین اصفهانی

ملاحظاتی بر دو مصحف شریف کتابت شده در شیراز در دوره صفویه پروفسور سلیمان برک

مصاحفی از دوره صفوی در دارالسعادة استانبول که مقرر سلطنت امپراتوری عثمانی بود، وجود داشته که از ابتدای قرن ۱۹م. از مساجد و آرامگاهها جمع آوری و در مجموعه موزهها و کتابخانهها گردآوری شده اند. این آثار که با تذهیبهای باشکوه و جلدهای نفیس خود نمونه های چشمگیری از هنر کتاب آرای اسلامی هستند، از جهت نوشتار و خط خود نیز نشان دهند سبک يك دوره خاص و با اهمیت می باشند. این آثار، فارغ از نوع و شیوه کتابت خطوط، از جهت تذهیب و تجلید از نمونه های مهم شاهکارهای هنری هستند که کمال هنر کتاب آرای دوره اسلامی را در قرن شانزدهم به امروزی رسانند. می دانیم که اصفهان، تبریز، شیراز و قزوین به عنوان مراکز مهم هنر کتاب سازی و کتاب آرای در دوره صفویه برجسته بوده اند. در میان این شهرها، شیراز در قرن شانزدهم اهمیت بیشتری پیدا کرد. در اینجا من می خواهم دو جلد از قرآن هایی را که به عنوان سفارش یا هدیه به استانبول آورده شده اند را به شما معرفی کنم. این دو مصحف شریف که نمونه های فاخر خط، تذهیب و جلد هستند، از شاهکارهای برجسته دوره صفویه بوده و هم اکنون در استانبول در موزه آثار ترک و اسلام نگهداری می شوند. تکنیک های قطاعی و لاککی با مهارت زیادی بر روی جلد چرمی یکی از این مصحف ها اعمال شده است. خوشنویسان این دو مصحف، محمد الکاتب و ابن قاسم دانی عبدالوهاب الشیرازی هستند. هر دو مصحف نمونه ای از شیوه یاقوت المستعصمی است که هنوز در ایران رایج است. سوابق دوره عثمانی در این مصحف ها مندرج است نیز بسیار جالب است. در یکی از آنها، یادداشتی وجود دارد که توسط مهر ماه سلطان، دختر سلطان سلیمان قانونی، وقف شده بود تا در مقبره مادرش خرم سلطان قرار گیرد و خوانده شود. مصحف دیگر بنابه وقفیه ای که در آن وجود دارد، توسط شخصی به نام فضل الله بن محمود وقف مسجد عزیز محمود خدایی در اسکودار (استانبول) وقف شده است. در انتهای مصحف ها، دعای ختم شریف و فالنامه وجود دارد که در آن زمان در مصحف صفوی معمول بود.

قرآن‌نگاری نوین، ضرورت، امکانات و چشم‌انداز

محسن سلیمانی

در جغرافیای گسترده اسلامی نقش کاتبان قرآن بر کسی پوشیده نیست. در هم‌تنیدگی قرانت و کتابت به عنوان دورکین اصلی مجلی کلام پروردگار و رابط میان قالب و محتوی در نگارش کلام وحی بعلاوه بر آنکه مورد توج کاتبان و هنرمندان بوده است، از ارکان سرچشمه های هنر اسلامی نیز محسوب می‌گردد. در واقع هر کلمه و حرف قرآنی دارای سه گونه هیأت و صورت می‌باشد که به منصفه ظهور رسیده است. صورت معنوی که جایگاه مجلی آن قلب و دست‌گناه ادراک آدمی است، صورت نوشتاری که دارای فرمی بصری است و بر دیده می‌نشیند، و صورت گفتاری که هیئت آن از جنس الحان شنیداری است. همان‌گونه که صورت معنوی قرآن دارای ظرفیت‌های زیبایی‌شناسانه است، ضرورت دارد و بلکه نیکوست که صورت نوشتاری و شنیداری آن نیز زیبا و دل‌ریا ظاهر شوند. اگرچه در هر دوره‌ای بسته به اقتضات مان و جهان‌یست آدمیان قالب‌ها و فرم‌های هنرمندان ای‌فرت ظهور تهاه مہمی

یابند امام‌ب نظر میرسد با تحولات پیش آمده نعت چاپ و وفور و گوناگونی قرآن‌های چاپی گ با افول و احتضار کتابت نیز همراه

بود ایک سو و تغییرات بوجود آمده در شیوه‌های خوانش و دگراندیشی و شیوه‌های جدید برقراری ارتباط با کلام وحی ادیگر

سو اکتابت‌های مجدد در شیوه‌ها و قالب‌های پیشیص را با مسایل و چالشی جدی مواج ساخت است. ایص موضوع می‌تواند روش و

رویکرد کتابت قرآن را در مناسبات جدید اب‌گون دیگری تداوم بخشد.

هدف ایص گفتار بررسی دلایلا امکان و چگونگی ورود ب تولیدگون‌های متنوع قرآن نگاری و محول در قالب‌ها و محوه متعارف

کتابت قرآن است. ب نظر میرسد با ورتبندی جریانها و تحولات فرمی و مفهومی هنر امروز و نسبت آن با معرفت‌شناسی دینی

معاربتوان ب ایص پرسش رسیدک تولید کتابت با قالب‌های پیشیص اساساچ کهارکردی دارد و کهدام مشهکل امهر و را برهرف

خواهد ساخت. در نتیج امقاله حاضر بران استامسائل ای و مهم در شیوه‌های جدید نگارش قرآن را بررسهی و پیرامون نقطه

نزمیشان درس مفهوم ضرورتا امکان و رویکرد نظری با تولید و پیشنهاد نماید.

ک‌ید واره: قرانا کتابت‌نوا و ریاشیوه‌ها سبک‌امدر نیته

بررسی عوامل تحول در قلم نسخ در ایران از عبدالله طبّاخ تا علاء الدین تبریزی

علیرضا هاشمی نژاد

پس از استقرار حکومت ایلخانی در تبریز، این شهر به عنوان پایتخت، در کنار بغداد به یکی از مراکز مهم هنر در جهان اسلام تبدیل و هدایت برخی از هنرها از جمله خوشنویسی در حوزه نفوذ هنرمندان ایرانی قرار گرفت. یاروی کار آمدن تیموریان سنت هنری تبریز به شرق ایران، به هرات و سمرقند منتقل شد. مرکز دیگر فعال در ایران شیراز بود که از زمان آل بویه یکی از مراکز مهم کتابت و خوشنویسی بود و در زمان آل اینجو تقویت شد و با حضور تیموریان به مرکز مهم کتابت و نگارگری تبدیل شد. شیوه یاقوتی قلم نسخ از طریق پیروان ایرانی یاقوت متأثر از درک زیبایی شناختی ایرانیان ابتداء در تبریز (عبدالله صرّی) و شیراز (یحیی صوفی) و سپس در اوایل قرن نهم ق در هرات (شمس بایسنغری و...) مراحل تکامل را پیمود. در نیمه دوم قرن نهم ق مراکز فعال قلم نسخ هرات، شیراز و بغداد و تاحدی تبریز هستند. خوشنویسان مهمی مانند قطب مغیشی، زین العابدین شیرازی، شیخ محمود هروی، عبدالله هروی (طبّاخ) در مراکز مهم تأثیر گذارند. البته مهمترین مراکز هرات است و به نوعی این خوشنویسان متأثر از جریان شکل گرفته در هرات هستند به طوری که قطب مغیشی و عبدالله هروی هر دو از شاگردان جعفر بایسنغری هستند. با سقوط سلسله تیموری و انتقال مرکز به تبریز با تعدد مراکز مهم خوشنویسی روبرو هستیم. هرات، شیراز و تبریز دیگر مانند دوره تیموری در ارتباط تنگاتنگ نیستند. بنابراین تعدد مراکز با رویکردهای تقریباً مستقل از عوامل شکل گیری شیوه های منطقه ای در قلم نسخ می شود. عامل مهم دیگر قوت گرفتن خط نستعلیق از طریق ظهور نهضت تولید نسخه های خطی آثار ادبی فارسی به خط نستعلیق است، که مرکز توجه کاتبان را از قلم نسخ معطوف به قلم نستعلیق می کند. تاحدی قرآن را به خط نستعلیق کتابت می کنند. عدم توجه به قلمهای محقق و ریحان نیز از عواملی است که از نیمه دوم قرن دهم ق در تحولات قلم نسخ مؤثر است. در اثر عوامل مزبور و افول جایگاه هرات به عنوان مرکز تأثیر گذار شیوه کلاسیک یاقوتی قلم نسخ پس از عبدالله طبّاخ دیگر شیوه غالب نیست در شیراز متأثر از سنت نسبتاً مستقل دوره های پیش شیوه های نو در آثار خوشنویسانی مانند روزبهان، فخار و... پدید می آید. مرکز مهم خوشنویسی در قرن دهم ق تبریز است و مهمترین خوشنویس قلم نسخ علاء الدین تبریزی است که ابتداء به شیوه یاقوتی می نویسد، اما در روند تحول به شیوه مستقل خود دست می یابد؛ که پایانی است بر سنت کلاسیک یاقوتی در ایران، هر چند انحراف از شیوه یاقوتی پیش از او در خوشنویسان شیراز آغاز شده بود. شیوه نو در قدم اول در شاخصه هایی از جمله نسبت اندازه قلم با اندام حروف، ضعف و قوت و دور و همچنین تأثیر پذیری از قلم ثلث از شیوه یاقوتی فاصله می گیرد. البته این نظر ضمن تردید در اصالت برخی آثار منسوب به علاء الدین ارائه می شود. زیرا او هم نامی داشته که زمینه این تردید را فراهم می کند. در هر حال به نظرمی رسد مکتب ایرانی قلم نسخ حدود یک سده بعد در اصفهان، از تلفیق شیوه او با سنت نسخ نویسان شیرازی زاده می شود.

واژگان کلیدی:

نسخ نویسی در ایران، تحولات قلم نسخ در قرن دهم ق، عبدالله طبّاخ، علاء الدین تبریزی.

مطالعه نسخه خطی اولیه قرآن بدست آمده از مسجد عمرو قاهره دکتر النور سلارد

این مقاله بر اساس پروژه تحقیقاتی فعلی اینجانب در مورد نسخه ای قرآنی است که در حدود قرن دوم هجری به کتابت در آمده و در مسجد عمرو قاهره کشف شده است. بودجه این پروژه در سال ۲۰۲۰ توسط وزارت کشور فرانسه تأمین گردیده است. هدف از تحقیق من پرسیدن سوالات اساسی در مورد این نسخه خطی از جمله قدمت، زمینه تولید و انتقال آن تا به امروز است.

الف: مطالعه نسخه های خطی و تاریخچه مجموعه های نسخه های خطی امروز، این نسخه خطی تکه تکه و در سراسر جهان پراکنده است. جمع آوری تمامی صفحات موجود، این فرصت را به ما می دهد تا بفهمیم این نسخه از کجا آمده و چگونه تا به امروز حفظ شده است. ب) نسخه خطی و انتقال آن نسخه حفظ شده در وضعیت موجود فعلی، از سه خط مختلف تشکیل شده است. بر اساس مطالعه سبک خط، ما نشان خواهیم داد که اولین کتابت احتمالاً در قرن ۲ هجری انجام شده است. دو متن دیگر مربوط به زمان های مختلف هستند که در زمانی خاص با مجلد اصلی ادغام شده اند. در پایان، این مطالعه، تصویری از شیوه های دست خط و روش های انتقال قرآن در زمان های اولیه به ما ارائه خواهد کرد.

مقایسه تطبیقی قلم محقق در مصحف بایسنقر میرزا و احمد قره حصارى

دکتر شهاب شهیدانى

قلم محقق و شکوه مثال زدنی آن در سیر کتابت کلام الله، بی نیاز از تعریف است و در جغرافیای پهناور اسلامی با سبکها و شیوه‌های متنوعی نگاشته شده است. گاه عظمت و وجه جلالی این قلم با حمایت نهاد سلطنت از کتابت قرآن افزون‌تری شد که بر عیار و قدرت قلم و خلاقیت کتابت‌های چنین مصاحفی موثر واقع می‌گردید. مصحف بایسنقر میرزا در عهد تیموریان و مصحف احمد قره حصارى در دوره عثمانی در زمره این آثار است که هر دو از شاهکارهای کتابت کلام الله می‌باشد. مولفه‌های برگرفته از قلم محقق در قرآن بایسنقری، شامل نوع فاصله گذاری کلمات و ارتفاع الفات و تنظیم کرسی بر اساس سطر نویسی است. تیزی و برش شماره‌ها در مصحف بایسنقری در حد اعلاست و لذا شماره و انتهای حروف مرسل و دندانها، بسیار تیز و یک دست و بسان لبه شمشیر میباشد. سبک نگارش مصف قره حصارى تلفیقی از محقق و ثلث جلی است و میزان دور در مصحف قره حصارى تحت تاثیر قلم ثلث میل به نرمی دارد. این موضوع بی ارتباط به ویژگی تراش قلم، نوع کاغذ و مرکب برداری نیست. در وجوه مشابهتی، کنار هم چیدن و دسته کردن متوالی حروف ر، و، واو،، اتصالات میم به واو و نظایر آن در هر دو مصحف مشاهده می‌شود. همچنین در هر دو مصحف استفاده مکرر از کاف نفیری، نوعی مد و کشید رادر فواصل نگارش آیات رقم زده است. ترتیب نقطه‌ها و چیدمان آن در مصحف قره حصارى متنوع و در قالب مربع - مستطیل، دایره و ریتم مثلثی اریب است؛ اما در مصحف بایسنقری نقطه‌ها مربع گونه است. با این حال در هر دو مصحف، نقطه‌ها گاه با قلم کوچک تر و ریز نگاشته شده است. هدف این مقاله بررسی وجوه قلم محقق در دو مصحف یاد شده با مقایسه تطبیقی است که مولفه‌های بیشتر آن در مبسوط مقاله ارائه خواهد شد.

قرآن‌های کتابت شده توسط شکرزاده سید محمد افندی

• دکتر محمد میثم

شکرزاده سید محمد یکی از خوشنویسان مشهور قرن ۱۸ م. در عثمانی، در مانیسا متولد شد و به این دلیل که شغل پدرش عبدالرحمن افندی، قنادی بود، بالقب "شکرزاده" شناخته می‌شد. او در استانبول در محضری کوله‌لی سید عبدالله افندی به مشق خط پرداخت و اجازت‌نامه دریافت نموده و به ویژه در خطوط ثلث و نسخ شهرت یافت. او در سال ۱۱۶۶ ق. / ۱۷۵۳ م. درگذشت و قبرش در کنار مزار شیخ حمدالله در قبرستان کاراجا احمد استانبول قرار دارد. سه مصحفی که او یا شیوه‌مخبر به فرد خود کتابت کرده، هنوز در موزه‌های مختلف محفوظ است. نخستین آنها، مصحفی است که به فرمان سلطان سلیم سوم از روی قرآنی که حافظ عثمان به سال ۱۰۹۴ ق. / ۱۶۸۲ م. نوشته، تقلید کرده است و اکنون به شماره ۸۵ در موزه آثار ترک و اسلام استانبول محفوظ است. این مصحف دارای ۴۵۸ صفحه بوده و در سال ۱۱۴۱ ق. / ۱۷۲۹ م. به اتمام رسیده است. پس از اتمام این نسخه، سلطان با آگاهی از تمایل شکرزاده به زیارت حج، به او اجازه سفر داده و امر کرد مصحف دیگری به خط شیخ حمدالله که موقوف بر روضه مطهره نبوی بود را به شیوه تقلید کتابت نماید. بر این اساس، شکرزاده به مدینه رفت و پس از یک سال اقامت در آنجا و کتابت مصحف مذکور به استانبول بازگشت؛ در آن هنگام چون سلطان برکنار شده بود، مصحف را به سلطان محمود اول که تازه به تخت نشسته بود، عرضه داشت. از وقف‌نامه و یادداشت‌های موجود بر روی این نسخه می‌توان فهمید که این مصحف، بعدها توسط راتب اسماعیل پاشا وقف روضه مطهره نبوی گردید و اکنون به شماره ۲۳۱ در کتابخانه ملک عبدالعزیز در مدینه محفوظ است.

شکرزاده بعدها بنا به درخواست سلطان محمود اول، مصحفی را به تاریخ ۱۱۴۶ ق. / ۱۷۳۳ م. کتابت کرد که هم‌اکنون به شماره (۳ Yenicami) در کتابخانه سلیمانیه قرار دارد. این مصحف دارای ۳۴۶ ورق بوده و نخستین قرآنی است که به شکل رسمی توسط دولت عثمانی در سال ۱۲۹۱ ق. / ۱۸۷۴ م. به چاپ رسید. در سال ۲۰۱۸ م. نسخه‌ای از همین مصحف توسط بنیاد هنرهای کلاسیک ترکی در استانبول، با دقت و تکنیک‌های پیشرفته و طبق نسخه اصلی چاپ شد. شکرزاده در انجامه این مصحف اشاره کرده که این سومین مصحفی است که کتابت نموده و قصد دارد مصاحف بیشتری بنویسد. اما در منابع تنها به این سه مصحف از آثار وی اشاره شده است. برخی تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که ممکن است مصحف‌های دیگری نیز در برخی از کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی به خط وی موجود باشد. در این مقاله آثار هنری شکرزاده سید محمد افندی که یکی از کاتبان مشهور دوره عثمانی است، جایگاه وی در کتابت مصحف شریف و به ویژه ویژگی‌های مصحف‌هایی که کتابت نموده، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

سبک طبری: تاملی بر قرآن نگاری شمال ایران در سده های میانه دکتر مهدی صحراگرد

کوفی شرقی صورت تکامل یافته و دگرگون شده کوفی اولیه است که از سده چهارم تا هفتم هجری در شرق جهان اسلام، منطبق بر ایران فرهنگی، رواج یافت. کوفی شرقی را باید اصطلاحی عام برای سبک های متنوع و گاه سراسر متفاوت از کتابت قرآن به شمار آورد که اگرچه از نظر هندسه و شکل حروف منشعب از کوفی اولیه بود، بر اثر گذر زمان و متأثر از سلیق محلی به سبک هایی متفاوت درآمد. در باب سبک های این قلم کمتر سخن رفته و بررسی نسخه شناسان و محققان خوشنویسی عمدتاً متمرکز بر چند اثر مهم بوده است. با این حال بررسی دقیق آثار، نشان می دهد سبک های کوفی شرقی بسیار متنوع تر از کوفی اولیه بوده و برخی از آنها را می توان به مناطق جغرافیایی مشخصی منسوب کرد. یکی از آنها، سبکی است منسوب به شمال ایران، یعنی طبرستان و گیلان. تعداد شایان توجه آثار به جاماندن ورقم دار این سبک از رواج گسترده اش حکایت می کند. کهن ترین نسخه تاریخ دار سبک طبری قرآنی است به خط علی مخلص طبری، مورخ ۳۵۳، و آخرین اثرش قرآنی است به خط مسعود بن عیسی مقری دیلمی، مورخ ۶۴۹ ق. انتساب این سبک به شمال ایران به واسطه نام کاتبانی است از رودبار، مجاور، دیلم و طبرستان. این سبک که در کتابت قرآن های جامع به کار می رفت، خطی ریزانندازه با ویژگی هایی منحصر به فرد در کتابت حروفی چون «ف»، «و»، بود. دیگر ویژگی های این سبک ارتفاع نسبتاً کوتاه حروف عمودی، و اتصالات افقی و مستحکم آن است با تنوع ناچیز در ضخامت قلم. همچنین نشان فصل آیات در قرآن های طبری عمدتاً با چهار نقطه مشخص شده است و در نسخه هایش تذهیب و آرایش ناچیزی دارد. گفتنی است بر اساس شباهت سبکی، این سبک با تغییراتی در رری و قوس نیز رواج داشته است.

واژگان کلیدی: قرآن، کوفی شرقی، طبرستان، گیلان، خوشنویسی، کوفی ایرانی.

پژوهشی در قرآن نویسی خط محقق به عنوان شیوه مرسوم در سده های پنج تاده هجری امیر فرید

استقبال از نوشتن قرآن با خط محقق، درست از زمانی شروع می گردد که دیگر خط کوفی مورد بهره برداری گسترده قرار نمی گیرد. حدود پنج سده گسترش و به کارگیری خط محقق در قرآن نویسی یعنی از سده پنجم تا دهم هجری، به عنوان مهمترین خط جهان اسلام (به ویژه در سرزمین ایران) به طول انجامیده است. این گستردگی زمانی، همراه با گسترش در مصارف این خط از دستنویس ها تا کتیبه های این دوران بوده است. گنجایش خط محقق چه در ریخت حروف و کلمه ها، و چه در سهل نویسی، نسبت به نیای پیشین خود یعنی خط کوفی، از دلایل جایگزینی این خط در قرآن نویسی به شمار می رفته است. گرچه محقق را یکی از اقلام سته دانسته اند؛ اما اقبال خوشنویسان به این خط نسبت به دیگر قلمها در این پنج سده بیشتر می باشد. این توجه را میتوان از آثار نسخ قرآن و کتیبه های به جای مانده از آن دوره مشاهده نمود. پیگیری و کنکاش در یافتن دلایل این استقبال و یافتن ویژگیهای شکلی و تاثیرات اجتماعی در رواج خط محقق، از مهمترین اهداف این مقاله هستند. همچنین چرایی استقبال گسترده از این خط در قرآن نویسی (چه در دست نویس ها و چه کتیبه نویسی) در سده های یاد شده از پرسشهای اصلی این پژوهش به شمار می رود. به جهت رسیدن به اهداف و پاسخ به پرسشها، این پژوهش از مطالعات کتابخانه ای و میدانی بهره می برد؛ اما روش حصول به نتیجه را در مطالعه و تطبیق نمونه های به جای مانده از قرآن نویسی در سده های پنج تاده هجری می داند که به روش تحلیل بصری صورت خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: خط محقق، قرآن نویسی، نسخ خطی، کتیبه

قرآن نستعلیق؛ شاهکاری از شاه محمود نیشابوری

پروفسور فتح اوزکافا

نظام الدین شاه محمود که در دنیای هنر به او "زرین قلم" نیز می‌گویند، حدوداً بین سالهای ۸۸۴-۸۹۸ (۱۴۹۳-۱۴۹۳) در نیشابور متولد شد است. او خوشنویسی را نخست نزد دایی اش عبدی نیشابوری گرفت. او بعداً دروس خوشنویسی را نزد سلطان علی مشهدی ادامه داد و خط خود را بهبود بخشید. او شیوه خود را پس از بررسی و تدقیق در خطوط استادانی مانند میر علی هروی و محمد خندان آشکار کرد. شاه اسماعیل صفوی که از هنر مندان حمایت می‌کرد، شاه محمود را تحت حمایت خود گرفت و او را مأمور کتابت شاهنامه برای خود کرد. شاه محمود نیشابوری آثار فراوانی دارد که از آن میان مصحف شریفی به خط نستعلیق در کتابخانه موزه قصر توپکاپی استانبول (Hırka-i Saâdet، شماره ۲۵) حفظ شده است که از زیباترین اثر اوست. این قرآن به خط نستعلیق در دایره کتابت نوشته شده و ابعاد آن ۳۷ × ۲۵٫۵ سانتی متر است که ۳۶۱ برگ دارد و توسط تذهیب‌کاران کارگاه حسن البغدادی تذهیب شد. این قرآن، توسط شاه محمد بهادر خان (شاه محمد خدابنده صفوی)، به سلطان مراد سوم عثمانی هدیه داده شد. می‌توان گفت این مصحف، که در هر یک از هنرهای کتاب‌آرایی مانند تجلید، تذهیب و صحافی، نمونه‌ای فاخر و نفیس به شمار می‌رود، بر هنر عثمانی نیز تأثیر گذاشته و به آن جهت بخشیده است. شاه محمود، شاگردان و پیروانش هر کدام سهم مهمی در انتقال خط نستعلیق از ایران به عثمانی دارند که سرزمین مادری این خط است. این مصحف که از ابتدا تا انتها با همان لطف و ظرافت، کاملاً یک‌دست نگاشته شده، از جهت تذهیب صفحه‌ظهریه، سرسوره‌ها، انتهای‌های آیه، و نشان‌های جزوها و حزب‌ها، از شاهکارهای هنر اسلامی است. در این مقاله، هدف آن است که این مصحف را که توسط شاه محمود نیشابوری به خط نستعلیق کتابت شد، معرفی کرده و از نظر تفاوت‌های دو شیوه ایرانی و عثمانی بررسی کنیم.

مطالعه پیوندهای کتابت مصحف شریف در ایران و عثمانی در سده‌های نهم و دهم هجری قمری

مهدی قربانی و محمدحسین اسرافیلی

طی سده‌های نهم و دهم هجری قمری، دولت‌های عثمانی و صفوی در آناتولی و ایران به قدرت رسیدند. در این زمان، دو جریان تأثیرگذار خوشنویسی در جهان اسلام وجود داشت؛ یکی خوشنویسی ایرانی با سابقه‌ای چند صدساله و دیگری خوشنویسی عثمانی که به تازگی شکل گرفته و در حال رشد بود. هر دو جریان افزون بر اینکه وارث گنجینه‌های ارزشمند هنری دوره‌های پیشین بودند، بایکدیگر ارتباط داشتند و شیوه‌ها و مکاتب جدیدی را در درون خود به وجود آوردند. قرآن به عنوان کتاب مقدس اسلام، همواره مورد توجه خوشنویسان مسلمان بوده است. خوشنویسان ایرانی صاحب پیشینه‌ای دیرین و درخشان در کتابت آن بودند و مهارت آنان موجب پیدایش شیوه‌های گوناگون در این زمینه شد که به عنوان الگوهای هنری، مناطق دیگر جهان اسلام از جمله عثمانی را تحت تأثیر قرار داد. هدف مقاله حاضر بررسی پیوندهای خوشنویسی ایرانی و عثمانی در کتابت قرآن با نظری بر تبدلات فرهنگی و ارتباط خوشنویسان و انواع و سبک‌شناسی خطوط به کار رفته در مصاحف سده‌های نهم و دهم هجری قمری است که بر این اساس، این پرسش مطرح می‌شود: ارتباطات خوشنویسی ایرانی و عثمانی در کتابت قرآن چگونه شکل گرفته است و نمودهای آن بانگه‌باز به شباهت‌ها و تفاوت‌ها چیست؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی فراهم آمده است و بر مبنای هدف، به بررسی زمینه‌های تاریخی-فرهنگی و تعدادی از مصاحف خوشنویسان شاخص ایرانی و عثمانی می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها:

مصحف شریف، خوشنویسی اسلامی، کتابت، ایران، عثمانی

شمس بایسنغری و یاقوت مستعصمی:

بررسی قرآن بایسنغری، شاهکاری به کتابت شمس و به شیوه یاقوت

شیوا میهن

Shiva.mihan@gmail.com

چکیده

نسخه‌های نفیس متعددی از کارگاه کتابت شاهزاده هنرمند و هنرپرور تیموری، غیاث‌الدین بایسنغر (۷۹۹-۱۴۳۷ ه.ق.) به جا مانده است که هر یک چون جواهری بر تاج هنر ایرانی و فرهنگ کتاب‌آرایی می‌درخشند. یکی از این آثار ارزشمند یک جلد قرآن کریم بود که زندگی کوتاه بایسنغر سلطان به او مجال نداد نسخه تکمیل شده‌اش را ببیند. این قرآن که به تذهیب عالی آراسته است و به قلم خوشنویس برجسته، شمس‌الدین هروی ملقب به بایسنغری کتابت شده، در سال ۸۳۷ ه.ق. یعنی پنج ماه پس از فوت بایسنغر به پایان رسیده است. این دستنویس گرانبایه اکنون در موزه آثار ترک و اسلام در استانبول به شماره ۲۹۴ نگهداری می‌شود.

متن قرآن بایسنغری به خط نسخ، کتیبه‌های مذهب به خط کوفی، سرسوره‌ها به خط ثلث و انجامه آن به خط رقاغ نوشته شده است. شمس بایسنغری در کتابت حروف، واژگان و چینش آنها در جملات از شیوه یاقوت مستعصمی پیروی کرده است. وی در انجامه از یاقوت با نام قبلة الکتاب و قنوه ارباب قلم یاد می‌کند.

این مقاله ضمن بررسی ویژگی‌های قرآن بایسنغری به مقایسه آن با یک نسخه مشابه با امضای یاقوت از کتابخانه چستر بییتی ایرلند می‌پردازد. در ادامه، تبخیر بی‌همتای شمس در نقل خط یاقوت بر اساس یک دیوان شعر موزخ ۸۲۹ ه.ق. و نیز با استناد به مدرکی در ارتباط با کتابخانه سلطنتی بایسنغر سلطان واکاویده می‌شود.

*

واژگان کلیدی: بایسنغر، شمس‌الدین هروی، یاقوت مستعصمی، مکتب هرات، نقل در خوشنویسی

بکارگیری خطوط نرم در کتابت قرآن در عراق در دوران عباسی دکتر صلاح الدین شیرزاد

در آغاز عصر عباسی قرآن ها به خطی نوشته می شدند که بعداً خط "کوفی مصحفی" نامیده شد. کتابت قرآن با این خط حدود سه قرن ادامه داشت و بعد از این دوران، مصحف ها با خطوط نرم و به ویژه خط ریحانی نوشته شدند. گروهی از استادان خوشنویسی از آن دوره تا پایان دوره عباسیان در قرن هفتم هجری / قرن سیزدهم میلادی در بغداد ظاهر شدند. مشهورترین آنها ابن مقله، ابن بواب و یاقوت المستعمی بودند که هر یک به کتابت مصحف شریف اشتغال داشتند. در این مقاله، ما به معرفی قرآن هایی که کتابت کرده اند و همچنین اخبار گزارش شده درباره آنها می پردازیم.

مکتب خوشنویسی تبریز؛ نقش مکتب تبریز در توسعه خوشنویسی در جهان اسلام پس از سقوط بغداد

علی نعمتی بابای لو

با سقوط بغداد در حمله مغولان بار دیگر تمام ایران بعد از قرن‌ها تحت یک حکومت واحد قرار گرفت. آذربایجان از معدود نواحی ایران بود که طی حملات مغول از گزند آنان در امان یاقی ماند و به دلایل گوناگون به عنوان پایتخت مغولان انتخاب شد. با آغاز حکومت غازان و تغییر دیدگاه‌های حکومتی و اجتماعی دگرگونی و رشد وسیعی در فعالیتهای فرهنگی و هنری در ایران پدیدار شد و تبریز به عنوان پایتخت حکام از ۶۶۳ تا ۹۵۰ هجری مختلف نقش عمیقی در توسعه فرهنگ هنر و معماری داشته است. با حضور دو تن از شاگردان یاقوت و پس از آن استقرار عبدالله صیرفی به تبریز، این شهر تبدیل به مرکز توسعه و تحولات خوشنویسی گردید چنانچه طی حدود سیصد سال بطور ممتد مکتب خوشنویسی تبریز فعال بوده و به تربیت شاگردان و حضور آنان در شهرهای دیگر و در نتیجه شکل‌گیری برخی مکاتب توسط آنان انجامید. غیر از سلسله خوشنویسان تبریز، خوشنویسان هرات از طریق شاگرد و خواهرزاده صیرفی، محمد بندگیر، خوشنویسان ترک از طریق خیرالدین مرعشی، خوشنویسان مصر از طریق شمس‌الدین محمد و سیعی به مکتب تبریز و صیرفی مرتبط هستند. همچنین خوشنویسان اصفهان نیز از جمله علیرضا تبریزی (عباسی) و امدار مکتب تبریز هستند. از سویی با تدوین و شکل‌گیری نستعلیق در دربار آل جلایری یکی از قلم‌های مهم خوشنویسی ایرانی نیز از این شهر نشپیدا کرد. بر این اساس تبریز در محدوده سالهای مذکور یکی از مهمترین مراکز و مکاتب خوشنویسی بود که بر سایر مکاتب تاثیر مستقیم یا غیر مستقیم داشت و در واقع آنچه از خوشنویسی در بغداد مدون شد در تبریز قوام یافته و منتشر شد و بدین ترتیب مکتب تبریز را می‌توان از تاثیرگذارترین مکاتب خوشنویسی جهان اسلام قلمداد کرد. از مهمترین نمونه‌های قابل بررسی در این مقوله قرآنها و کتبه‌های قرآنی بجای مانده از خوشنویسان تبریز است که با بررسی آن می‌توان تحولات رخ داده در این دوره و نیز تاثیرات آن بر سایر نواحی را حاصل کرد. در این مقاله تلاش خواهد شد به بررسی تاریخی نقش تبریز در توسعه هنر خوشنویسی طی دوران ایلخانی تا اوایل صفوی پرداخته شود.

کلیدواژگان: خوشنویسی، مکتب تبریز، عبدالله صیرفی، علاء‌الدین